

ترجمه کل ریدینگ های زبان انگلیسی سوم دبیرستان

درس اول زبان 3 تلویزیون باشد یا نه

امروزه در هر خانه ای یک دستگاه تلویزیون وجود دارد. در بعضی از کشورها، شما می توانید از بین حدود چهل کانال مختلف (برنامه) انتخاب کنید. بعضی از این کانال ها فقط یک نوع برنامه خاص را نشان می دهند، مانند اخبار، ورزش، موسیقی، تئاتر یا فیلم. اکثر آنها انواع مختلفی از برنامه ها را نشان می دهند و به بیننده انتخاب زیادی می دهند تا از بین آنها انتخاب کند. در یک کشور، یک تحقیق اخیر نشان داد که یک شخص معمولی سه ساعت و نیم در روز را صرف تماشای تلویزیون می کند. زنان خانه دار بزرگترین گروه بینندگان تلویزیون بودند. آنها به طور متوسط حدود 5 ساعت در روز را صرف تماشای تلویزیون می کردند در حالیکه شوهران آنها بیرون از خانه سر کار بودند.

برای خانواده های بچه دار، یک مشکل بزرگ، دور کردن بچه ها از تلویزیون است تا تکالیفشان را انجام دهند. پس تاثیر تلویزیون بر زندگی مردم چیست؟

برای فهمیدن این موضوع، اخیراً آزمایش عجیبی انجام شد. از یک گروه شامل چهل و چهار خانواده خواسته شد که به مدت یک ماه تلویزیون تماشا نکنند. این خانواده ها مورد مطالعه قرار گرفتند تا ببینند که چگونه زندگی آنها با تماشا نکردن تلویزیون در خلال این مدت تغییر خواهد کرد.

چهار خانواده متوجه شدند که زندگی خانوادگی به آسانی نمی تواند بدون تلویزیون ادامه یابد و آزمایش را رها کردند. آنها گفتند که برای گذراندن وقت آزادشان نمی توانند راه دیگری پیدا کنند. در میان کسانی که بطور موفقیت آمیزی از تلویزیون استفاده نکردند، چندین مشاهده جالب گزارش شد.

بعضی از والدین خوشحال بودند که به کشمکش روزانه بین اعضای خانواده، تا تصمیم بگیرند که چه برنامه ای را تماشا کنند، خاتمه بخشیدند. در بعضی از خانواده ها، اعضای خانواده زودتر می خوابیدند. اعضای خانواده چیزهای دیگری برای انجام دادن پیدا کردند، مانند مطالعه یا بازی والیبال. بسیاری از خانواده ها فهمیدند که آنها بدون تلویزیون فرصت بیشتری را برای حرف زدن و بازی کردن بین خودشان دارند. اوقات شام بدون فشار تلویزیون آرام تر بود. بینایی بچه ها در چندین مورد بهبود یافت.

بعضی از بچه ها فهمیدند که آنها چیزی ندارند تا در مدرسه درباره آن صحبت کنند. تعدادی از مادران دریافته اند که حرف کمتری برای گفتن با بچه های کوچکشان دارند.

در پایان آزمایش، اکثر خانواده ها خواستار بازگشت تلویزیون به خانه هایشان بودند. اما گفتند که در آینده فقط برنامه های خاصی را تماشا می کنند و اجازه نخواهند داد که زندگی آنها تحت تاثیر تلویزیون قرار گیرد.

درس دوم زبان 3 ارزش تحصیل

آموزش یک هدف نیست، بلکه وسیله ای برای رسیدن به یک هدف است. به عبارت دیگر، ما بچه ها را فقط به منظور با سواد کردن آنها آموزش نمی دهیم. هدف ما آماده کردن آنها برای زندگی است. به محض اینکه ما این حقیقت را متوجه شویم، خواهیم فهمید که انتخاب یک سیستم آموزشی که واقعاً بچه ها را برای زندگی آماده کند، خیلی

مهم است. این کافی نیست که فقط اولین روش آموزشی را یک شخص می یابد، انتخاب کنیم یا همان سیستم آموزشی قدیمی را ادامه می دهیم بدون اینکه آن را آزمایش کنیم تا ببینیم آیا این سیستم در حقیقت مناسب است یا نه!

در بسیاری از کشور های پیشرفته مدتی متداول بوده است که فکر کنند آموزش رایگان برای همه خواه ثروتمند یا فقیر، با هوش و یا کودن، شخص می تواند همه ی مشکلات یک جامعه را حل کند و یک ملت کامل بسازد. اما هم اکنون می بینیم که آموزش رایگان برای همه کافی نیست. ما در چنین کشورهایی درمی یابیم که تعداد افراد با مدارک دانشگاهی نسبت به مشاغلی که باید عهده دار شوند خیلی بیشتر است. آنها به علت داشتن مدرک دانشگاهی از انجام کارهایی که فکر می کنند(پایین و پست) است، خود داری می کنند و در حقیقت آنها کاری را که با دست انجام شود را دوست ندارند. اما باید درک کنیم هر جامعه ای نیاز به خدمات گوناگون دارد و همه مشاغل مهم و مفید هستند. ما برای تولید مواد غذایی به کشاورزان نیاز داریم. برای آموزش به مردم و معلمین احتیاج داریم. برای معالجه ی بیماران به پزشکان احتیاج داریم. ما به افرادی نیازمندیم که خیابان های ما را تمیز کنند و زباله ها را از خانه هایمان بیرون ببرند.

با این وجود می توانیم بگوییم که همه باید با سواد شویم (تحصیل کنیم). این آموزش باید شخص را برای شغلی که بتواند به بهترین نحو انجام دهد آماده کند. ما می دانیم که همه ی مشاغل مفید هستند و هیچکس نباید از کار خودش خجالت بکشد.

درس سوم زبان 3 حافظه

اگر شما برای مدتی از دست ها و پاهایتان استفاده نکنید آنها ضعیف می شوند. وقتی شما دوباره شروع به استفاده کردن از آنها می کنید، آنها دوباره به آرامی (بتدریج) قوی می شوند. همه این موضوع را می دانند و هیچکس به فکر سوال درباره ی این واقعیت نیست. با این وجود افراد زیادی هستند که به نظر نمی رسد بدانند که حافظه هم به همین طریق کار می کند. حافظه توانایی مغز برای نگهداری ثبت حوادث گذشته است. مغز می تواند مقدار زیادی از اطلاعات را ضبط کند. اما بعضی از اطلاعات که به مغز نمی رسند، فراموش می شوند.

روانشناسان معتقدند که فراموشی به طور یکنواخت صورت نمی گیرد. آن در ابتدا سریع است، سپس کند می شود. بنابراین بیشتر چیزها در اولین ساعت یا روز بعد از آن که آموخته می شوند، فراموش می شوند، اما بعد از یک هفته یا همین حدود، کمتر چیزی فراموش می شود.

چندین روش وجود دارد که به ما کمک می کنند تا چیزها را برای مدت طولانی به خاطر داشته باشیم. یکی از آنها یادگیری مکرر (دوباره آموزی) است. یادگیری مکرر، گفتن چیزی (مثلاً یک شعر) به صورت بارها و بارها است. این کار باعث می شود که آن در ذهن بماند (ملکه ذهن شود).

گفته می شود که بعضی از مردم حافظه تصویری دارند (یعنی توانایی به یاد آوردن تمام جزئیات، اشیاء یا مناظری که آنها را فقط بطور مختصر و گذرا دیده اند).

آنچه به یاد داریم و روشی که آن را به خاطر می آوریم، تحت تاثیر علائق، روش فکر کردن و احساسات عاطفی ماست. در حقیقت، ما ممکن است به طور کامل حافظه هوشیار (بیدار) خود را از حوادث خیلی مهم از دست بدهیم، اگر آنها برای ما سخت یا دردناک باشند. فقدان ناحیه وسیعی از حافظه در بعضی بیماری های روحی و جسمی اتفاق می افتد. روانشناسان در جستجوی پایه و اساس شیمیایی حافظه در مغز بوده اند.

درس چهارم زبان 3 بازی های المپیک

بازی های المپیک هر ساله افراد زیادی را به خود جلب می کند. این رقابتی بین بسیاری از ملل جهان است. آن هر چهار سال یکبار برگزار می شود. تعدادی زیادی از ورزشکاران از کشور های مختلف در این رقابت ها شرکت می کنند. رویداد های زیادی مانند: دو میدانی، شنا، بکس، ژیمناستیک، کشتی و غیره در آن وجود دارند.

بازی های المپیک ابتدا در یونان آغاز شد. در آغاز یک بازی یک روزه بود و بعداً بازی پنج روزه شد. این بازی ها در دشت های المپیا برگزار می شدند و اساساً جشن های مذهبی بودند.

امروزه بازی های المپیک نقش مهمی را در آوردن جوانان بطور دوستانه از ملت های مختلف ایفا می کند. کمیته بین المللی المپیک (IOC) در مورد بازی های المپیک تصمیم می گیرد و همه رویداد ها را کنترل و سازماندهی می کند.

از سال 1896 تا کنون بازی های المپیک هر چهار سال یکبار برگزار شده اند. این بازی ها در سال های

1916، 1940 و 1944 به علت جنگ های جهانی برگزار نشدند. امروزه هزاران زن و مرد در بازی ها شرکت می کنند. در سال 1924 اولین بازی های المپیک زمستانی برگزار شدند.

بازی های المپیک شامل بازی های دو هفته ای تابستانی و رقابت های ده روزه زمستانی هستند. صدها میلیون بیننده شانس های (بخت های) کشور هایشان را از تلویزیون دنبال می کنند.

بازی های المپیک زمستانی همیشه در کشورهایی که کوه های پوشیده از برف دارند، برگزار می شوند. این بازی ها شامل: اسکی، اسکیت، هاکی روی یخ، و غیره هستند. به برنده هر رقابت (مسابقه) یک مدال طلا اعطاء می شود.

درس پنجم زبان 3 هر کلمه یک معماست

سلام

آیا شما می دانید که آن کلمه (سلام) چه معنی می دهد؟ البته که می دانید منظورتان چیست وقتی آن را می گوئید. ولی آیا می دانستید که فقط یک صد سال پیش کلمه "Hello" وجود نداشت؟ در آن روزها مردم می گفتند: حالتان چطور است یا صبح بخیر - وقتی که آنها با یکدیگر صحبت می کردند. و آنها وقتی که با هم بودند می توانستند با یکدیگر صحبت کنند.

سپس الکساندر گراهام بل تلفن را اختراع کرد. مردم می توانستند با یکدیگر صحبت کنند حتی وقتی که از هم دور بودند. همه فکر می کردند که این اختراع جدید شگفت انگیز (عجیب) بود. وقتی شخصی صدای گفتگویی را از تلفن و از فرسنگ ها دور می شنید، آنقدر هیجان زده می شد که نمی توانست بگوید: حالتان چطور است یا صبح بخیر! اما او همچنین می ترسید که اگر داد نزنند شخصی که در انتهای خط (سیم) است، صدای او را نشنود. بنابراین او فریاد میزد: هالو! این کلمه خیلی قدیمی بود.

بعد از مدتی مردم این کلمه را کمی تغییر دادند. آنها به جای آن، هلو (سلام) گفتند. بعداً آن ها یاد گرفتند (فهمیدند) که اصلاً مجبور نیستند فریاد بزنند. اما تا آن زمان این کلمه به صورت عادت در آمده بود. امروزه اکثر مردم هنوز هلو می گویند، وقتی که تلفن را بر می دارند.

کلمات جدید هر وقت که به آن ها نیاز باشد به وجود می آیند. کلمات جدید همیشه در حال ابداع (ظهور) هستند.

بعضی از کلمات جدید بخشی از زبان می شوند درست مانند کلمه هلو که شد. آن کلمه چون خیلی مفید بود، حفظ شد. کلمات جدید دیگر که خیلی مفید نیستند، ممکن است به زودی فراموش شوند. جهان همیشه در حال تغییر و تحول است، کلمات هم همینطور.

هر کلمه یک نوع داستان رازگونه در پشت خود دارد، درست مانند hello (که داستانی دارد). هر کلمه معمایی است.

حل بعضی از این معماها آسان است. به عنوان مثال کلمه "Breakfast" از دو کلمه کوچکتر "Break" (شکستن) و "fast" (روزه) تشکیل شده است. شما می دانید break (شکستن) چیست. و وقتی کسی روزه می گیرد، به معنای آن است که او چیزی نمی خورد. اکثر مردم از زمانی که به رختخواب می روند تا زمانی که صبح بیدار می شوند روزه می گیرند. آنها وقتی که غذای صبح را می خورند یعنی (صبحانه) روزه شان را می شکنند (باز می کنند).

اما بعضی از معماهای لغوی کمی سخت تر هستند. کلمه paper (کاغذ) از نام گیاهی به نام پاپیروس گرفته شده است. پاپیروس در کشور های گرمسیر مانند مصر می روید. سال ها پیش در مصر انسان ها یاد گرفتند که چگونه از پاپیروس ورقه های کاغذ درست کنند. آنها از ورق برای نوشتن روی آن استفاده می کردند. بدین علت است که امروزه کلمه کاغذ که از پاپیروس گرفته شده، برای ورقه هایی که روی آنها نوشته می شود به کار می رود. اما کاغذ امروزی اصلاً از پاپیروس ساخته نمی شود!!

درس ششم زبان 3 رایانه چیست؟

رایانه ها در حال تغییر و تحول دادن تمام زندگی ما و همچنین روش های قدیمی انجام کارها را با سرعت مافوق بشری خود هستند. آنها در اندازه های مختلف از رایانه های خیلی بزرگ گرفته تا رایانه های خیلی کوچک جیبی - عرضه می شوند. آنها تقریباً در هر زمینه فعالیتی می توانند مورد استفاده قرار گیرند. هیچکس نمی تواند تاثیر و اهمیت کار آنها را انکار کند.

رایانه ها برای طراحی چیزهای مختلفی بکار می روند. آنها در ساخت هواپیماهای غول پیکر و اتومبیل های مدرن مورد استفاده قرار می گیرند. تمام فضاییهایی که در فضا در حال چرخش هستند، توسط رایانه ها کنترل می شوند.

رایانه ها علاوه بر اینکه به ما کمک می کنند تا بهتر کار کنیم، در حال گشودن زمینه های جدیدی برای سعی و تلاش هستند. شاید مهمترین آنها در پزشکی باشد، جایی که رایانه ها به پزشکان کمک می کنند تا در مورد بیماری تحقیق کنند، به داروسازان در ساختن و طراحی داروها و به افراد معلول در فراگیری مهارت ها کمک می کنند. اما رایانه چگونه قادر است این همه وظایف (کار) مختلف انجام دهد؟

یک رایانه همه این کارها را بوسیله پردازش اطلاعات انجام می دهد. آن می تواند همه این کارها را انجام دهد چون قابل برنامه ریزی است. این بدین معنی است که می توان به آن دستورالعمل داد که برنامه نامیده می شود که به آن می گوید دقیقاً چه کاری انجام دهد. با دادن (تغذیه) برنامه های مختلف، رایانه ها را می توان از یک کار به کار دیگری تغییر داد.

علاوه بر این، رایانه ها می توانند همچنین برنامه ریزی شوند تا کارهای جداگانه زیادی را به طور همزمان انجام دهند. مثلاً رایانه مرکزی یک خط هوایی، دائماً مشغول ارسال و دریافت اطلاعات با دفاتر و فرودگاههای اطراف جهان است.